

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا (21)
- به نام خداوند رحمتگر مهربان و آنها که امیدی به لقای ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) می گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نمی شوند؟ و یا پروردگاران را با چشم خود نمی بینیم؟ آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند. (21)
- يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حَجْرًا مَحْجُورًا (22)
- (آنها به آرزوی خود می رسند) اما روزی که فرشتگان را می بینند روز بشارت مجرمان نخواهد بود! (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است) و می گویند ما را امان دهید ما را معاف دارید. (22)
- وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا (23)
- و ما به سراغ اعمالی که آنها انجام دادند می رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می کنیم! (23)
- أَصْحَابِ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (24)
- بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحت گاهشان نیکوتر است! (24)
- وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْعَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا (25)
- و به خاطر آور روزی را که آسمان با ابرها از هم شکافته می شود، و فرشتگان نازل می گردند. (25)
- الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (26)
- حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است و آنروز روز سختی برای کافران خواهد بود. (26)
- وَيَوْمَ يَعْصُ الطَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (27)
- و به خاطر بیایور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم. (27)
- يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (28)
- ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (28)
- لَقَدْ أَضَلَّتْ عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَتِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (29)
- او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود، و شیطان همیشه مخدول کننده انسان بوده است. (29)
- وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (30)
- پیامبر عرضه داشت: پروردگارا! این قوم من از قرآن دوری جستند. (30)
- وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (31)
- و اینگونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم، اما همین بس که خدا هادی و یاور تو است. (31)
- وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (32)
- و کافران گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی شود؟ این بخاطر آنست که قلب تو را محکم داریم، و آن را تدریجا بر تو خواندیم. (32)
- وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (33)
- آنها هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که ناچار به تسلیم شوند). (33)
- الَّذِينَ يُخَشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (34)
- آنها که بر صورت هایشان به سوی جهنم محشور می شوند بدترین محل را دارند و گمراه ترین افرادند! (34)
- وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (35)
- ما به موسی کتاب آسمانی دادیم، و برادرش هارون را برای کمک

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمْرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (36)

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ اَعْرَفْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَاَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا اَلِيمًا (37)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَاَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (38)

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْاَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (39)

وَلَقَدْ اَنْوَا عَلٰى الْقَرْيَةِ الَّتِي اَمْطَرْتُ مَطَرَ السَّوْءِ اَقْلَمَ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلًا كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (40)

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلاَّ هُزُوًا اَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا (41)

إِن كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ اٰلِهِنَا لَوْلَا اَنْ صَبَرْنَا عَلَیْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حَیْنَ یَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ اَضَلُّ سَبِيْلًا (42)

اَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوَاهُ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ عَلَیْهِ وَكِيْلًا (43)

اَمْ تَحْسَبُ اَنْ اَكْثَرَهُمْ یَسْمَعُونَ اَوْ یَعْقِلُوْنَ اِن هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا (44)

اَلَمْ تَرَ اِلٰی رَبِّكَ كَیْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَیْهِ دَلِيْلًا (45)

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ اِلَیْنَا فَبَضًّا یَسِیْرًا (46)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ لَكُمْ اللَّیْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (47)

وَهُوَ الَّذِی اَرْسَلَ الرِّیْحَ بُشْرًا بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (48)

لِنُحْیِیَ بِهٖ بَلَدًا مَّیِّتًا وَنُنْقِیْهٖ مِمَّا خَلَقْنَا اَنْعَامًا وَاَنْاسًا كَثِیْرًا (49)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَیْنَهُمْ لَیْدًا كَرُوْا فَاَبٰی اَكْثَرُ النَّاسِ اِلَّا كُفُوْرًا (50)

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِی كُلِّ قَرْیَةٍ نَذِیْرًا (51)

همراهش ساختیم. (35)

و گفتیم به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید (اما آنها به مخالفت برخاستند) و ما شدیداً آنها را در هم کوبیدیم! (36) و قوم نوح را هنگامی که تکذیب رسولان کردند غرق نمودیم، و آنها را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم، و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساختیم. (37)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرس (گروهی که درخت صنوبر را میپرستیدند) و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند هلاک کردیم. (38)

و برای هر یک از آنها مثله زدیم و (چون سودی نداد) هر یک از آنها را در هم شکستیم و هلاک کردیم. (39)

آنها از کنار شهری که باران شر (بارانی از سنگهای آسمانی) بر آن باریده بود (دیوار قوم لوط) گذشتند، آیا آنرا ندیدند؟ (آری دیدند ولی آنها به رستاخیز ایمان ندارند. (40)

و هنگامی که تو را می‌بینند تنها به باد استهزایت می‌گیرند (سخن منطقی که ندارند می‌گویند): آیا این کسی است که خدا او را به عنوان رسول مبعوث کرده است؟! (41)

اگر ما بر پرستش خدایانمایان استقامت نکنیم بیم آن می‌رود که او ما را گمراه سازد! اما هنگامی که عذاب الهی را دیدند به زودی می‌فهمند چه کسی گمراه بوده است؟! (42)

آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را معبود خود برگزیده است؟ آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی؟ یا به دفاع از او برخیزی؟ (43)

آیا گمان می‌بری اکثر آنها می‌شنوند یا می‌فهمند؟ آنها فقط همچون چهارپایانند بلکه گمراه تر! (44)

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده؟ و اگر می‌خواست آنرا ساکن قرار می‌داد، سپس خورشید را بر وجود آن دلیل قرار دادیم. (45)

سپس آنرا آهسته جمع می‌کنیم. (46)

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد و روز را مایه حرکت و حیات! (47)

و او کسی است که بادهای را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم. (48)

تا به وسیله آن سرزمین مرده را زنده کنیم، و آنرا برای نوشیدن در اختیار مخلوقاتی که آفریده‌ایم - چهارپایان و انسانهای بسیار - بگذاریم. (49)

ما این آیات را به صورتهای گوناگون در میان آنها قرار دادیم تا متذکر شوند ولی بیشتر مردم جز انکار و کفر کاری نکردند. (50) و اگر می‌خواستیم در هر شهر و دیاری پیامبری می‌فرستادیم. (51)

فَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (52)

بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی
بنما. (52)

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ
بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَجِجْرًا مَخْجُورًا (53)

و او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد یکی گوارا و
شیرین و دیگری شور و تلخ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم
مخلوط نشوند (گوئی هر یک به دیگری می‌گوید) دور باش و نزدیک
نیا! (53)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا
(54)

او کسی است که از آب انسانی را آفرید او را نسب و سبب قرار داد
(و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پروردگار تو همواره
قادر است. (54)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ
ظَهِيرًا (55)

آنها غیر از خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنها سودی
می‌رساند و نه زیانی، و کافران در برابر پروردگارشان (در طریق کفر)
کمک کار یکدیگرند. (55)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (56)

ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم. (56)
بگو من در برابر ابلاغ این آئین هیچگونه پاداشی از شما مطالبه
نمی‌کنم، تنها پاداش من این است که کسانی بخواهند راهی به
سوی پروردگارشان برگزینند. (57)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا
(57)

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ
خَبِيرًا (58)

و توکل بر خداوندی کن که هرگز نمی‌میرد، و تسبیح و حمد او به
جای آور، و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است. (58)
او خدائی است که آسمانها و زمین و آنچه را در میان ایندو است در
شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر عرش قدرت قرار گرفت (و
به تدبیر جهان پرداخت) او خداوند رحمن است از او بخواه که از
همه چیز آگاه است. (59)

وَالَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ
الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (59)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا
وَزَادَهُمْ نُفُورًا (60)

و هنگامی که به آنها گفته شود برای خداوند رحمان سجده کنید
می‌گویند رحمان چیست؟! (ما اصلا رحمن را نمی‌شناسیم) ما برای
چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می‌دهی. (این سخن را
می‌گویند) و بر نفرتشان افزوده می‌شود! (60)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا
(61)

جاودان و پر برکت است آن خدائی که در آسمانها برجهایی قرار داد،
و در میان آن چراغ روشن و ماه نور بخشی آفرید. (61)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا
(62)

او کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای آنها
که بخواهند متذکر شوند یا شکرگزاری کنند. (62)

وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (63)

بندگان خاص خداوند رحمن آنها هستند که با آرامش و بیتکبر بر
زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به
آنها سلام می‌گویند (و با بیاعتنائی و بزرگواری می‌گذرند). (63)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (64)

آنها کسانی هستند که شبانه‌روز برای پروردگارشان سجده و قیام
می‌کنند. (64)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا
(65)

آنها کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بر
طرف گردان که عذابش سخت و پر دوام است! (65)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (66)

آن بد جایگاه و بد محل اقامتی است. (66)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (67)

آنها کسانی هستند که هر گاه انفاق کنند نه اسراف می‌کنند و نه

سخنگیری، بلکه در میان ایندو حد اعتدالی دارند. (67)
آنها کسانی هستند که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند، و
انسانی را که خداوند خویش را حرام شمرده جز به حق به قتل
نمی رسانند، و زنا نمی کنند، و هر کس چنین کند مجازاتش را
خواهد دید. (68)

چنین کسی عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و با خواری
همیشه در آن خواهد ماند. (69)
مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد که
خداوند گناهان این گروه را به حسنات تبدیل می کند. و خداوند
آمرزنده و مهربان است. (70)

و کسی که توبه کند و عمل صالح بجا آورد به سوی خدا بازگشت
می کند (و پاداش خود را از او می گیرد). (71)

آنها کسانی هستند که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس
باطل شرکت نمی کنند) و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد
کنند بزرگوارانه از آن می گذرند. (72)

آنها کسانی هستند که هر گاه آیات پروردگارشان به آنها گوشزد
شود کر و کور روی آن نمی افتند! (73)

آنها کسانی هستند که می گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما،
مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما! (74)
آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان
پاداش داده می شود. و در آن با تحیت و سلام روبرو می شوند. (75)
جاودانه در آن خواهند ماند، چه قرارگاه خوب و چه محل اقامت
جالبی! (76)

بگو پروردگار من برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد،
شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید و دامن شما را خواهد
گرفت و از شما جدا نخواهد شد. (77)

سوره 26: الشعراء

به نام خداوند رحمتگر مهربان

طسم (1)

این آیات کتاب مبین است. (2)

گوئی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر
اینکه آنها ایمان نمی آورند. (3)

اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنها آیه ای نازل می کنیم که
گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد! (4)

و هر ذکر تازهای از سوی خداوند رحمان برای آنها بیاید از آن
اعراض می کنند. (5)

آنها تکذیب کردند، اما به زودی اخبار آنچه را به استهزاء می گرفتند
به آنان می رسد (و از مجازاتش با خبر خواهند شد). (6)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (68)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (69)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (70)

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (71)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (72)

وَالَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (73)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (74)

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (75)

خَالِدِينَ فِيهَا فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (76)

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (77)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسم (1)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (3)

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (4)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (5)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (6)

أُولَئِكَ يَرَوْنَ إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (7)

آیا آنها به زمین نگاه نکردند، چه اندازه در آن از انواع گیاهان آفریدیم. (7)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (8)

در این نشانه روشنی است (بر وجود خدا) ولی اکثر آنها هرگز نبوده‌اند. (8)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (9)

پروردگار تو عزیز و رحیم است. (9)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أُنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (10)

به خاطر بیاور هنگامی که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ آن قوم ستمگر برو. (10)

قَوْمٌ فِرْعَوْنُ أَلَا يَتَّقُونَ (11)

قوم فرعون، آیا آنها (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی‌کنند؟! (11)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (12)

(موسی) عرض کرد پروردگارا من از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند. (12)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ (13)

و سینه‌ام تنگ می‌شود، و زبانم به قدر کافی گویا نیست (به برادرم) هارون نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند). (13)

وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (14)

و آنها (به اعتقاد خودشان) بر من گناهی دارند می‌ترسم مرا به قتل برسانند (و این رسالت به پایان نرسد). (14)

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ (15)

فرمود چنین نیست (آنها کاری نمی‌توانند انجام دهند) شما هر دو با آیات ما (برای هدایت آنان) بروید ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم. (15)

فَاتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (16)

به سراغ فرعون بروید و بگوئید ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم. (16)

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (17)

بنی اسرائیل را با ما بفرست. (17)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (18)

(فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم ؟ و سالهائی از عمرت را در میان ما نبودی ؟ (18)

وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (19)

و (سرانجام) آن کارت را (که نمی‌بایست انجام دهی) انجام دادی (و) یک نفر از ما را کشتی) و تو از کافران بودی! (19)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (20)

(موسی) گفت: من آن کار را انجام دادم در حالی که از بیخبران بودم. (20)

فَقَرَّرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (21)

و به دنبال آن هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم و پروردگار من به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد. (21)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ (22)

آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟! (22)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (23)

فرعون گفت پروردگار عالمیان چیست؟! (23)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (24)

(موسی) گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است، اگر اهل یقین هستید. (24)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ (25)

(فرعون) به اطرافیانش گفت، آیا نمی‌شنوید این مرد چه می‌گوید؟ (25)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (26)

(موسی) گفت پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما. (26)

قَالَ إِنْ رَسُولُكُمْ الَّذِي أَرْسَلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (27)

(فرعون) گفت پیامبری که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است. (27)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (28)

(موسی) گفت او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان این دو است می‌باشد اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می‌گرفتید.
(28)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ (29)

فرعون خشمگین شد و گفت: اگر معبودی غیر از من برگزینی تو را از زندانیان قرار خواهم داد. (29)

قَالَ أَوْلُو جِنَّتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (30)

(موسی) گفت: حتی اگر نشانه آشکاری برای رسالتم برای تو بیاورم؟ (30)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (31)

گفت: اگر راست می‌گویی آنرا بیاور! (31)
در این هنگام موسی عصای خود را افکند و مار عظیم و آشکاری شد. (32)

فَأَلْفَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (32)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ (33)

و دست خود را در گریبان فرو برد و بیرون آورد در برابر بینندگان سفید و روشن بود. (33)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (34)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: این ساحر آگاه و ماهری است! (34)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (35)

او می‌خواهد شما را از سرزمینتان با سحرش بیرون کند شما چه نظر می‌دهید؟ (35)

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (36)

گفتند: او و برادرش را مهلت ده و به تمام شهرها ماموران برای بسیج اعزام کن. (36)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ (37)

تا هر ساحر ماهری را نزد تو آورند. (37)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (38)

سرانجام ساحران برای وعده گاه روز معینی جمع آوری شدند. (38)
و به مردم گفته شد آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می‌کنید.
(39)

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ (39)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (40)

تا اگر ساحران پیروز شوند ما از آنان پیروی کنیم. (40)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا لَهُ لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (41)

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر پیروز شویم پاداش مهمی خواهیم داشت؟ (41)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (42)

گفت آری، و شما در این صورت از مقربان خواهید بود! (42)

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (43)

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند، موسی رو به ساحران کرد و) گفت: آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید! (43)

فَأَلْفَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (44)

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند به عزت فرعون، قطعاً پیروزیم! (44)

فَأَلْفَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (45)

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید! (45)

فَأَلْفَى السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ (46)

ساحران همگی فوراً به سجده افتادند. (46)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (47)

گفتند ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم. (47)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (48)

پروردگار موسی و هارون. (48)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَأَلْصَقَنَّاكُمْ أَجْمَعِينَ (49)

(فرعون) گفت: آیا به او ایمان آوردید پیش از آن که به شما اجازه دهم؟! مسلماً او بزرگ و استاد شما است که به شما سحر آموخته، اما به زودی خواهید دانست که دستها و پاهای شما را به طور مختلف قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم. (49)

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (50)

گفتند: مهم نیست (هر کار از دستت ساخته است بکن) ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. (50)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (51)

ما امیدواریم پروردگارمان خطاهای ما را به بخشد، که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم. (51)

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِلَيْكُمْ مُتَّبِعُونَ (52)

ما به موسی وحی فرستادیم که بندگان مرا شبانه از مصر کوچ ده، و آنها شما را تعقیب خواهند کرد. (52)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (53)

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) ماموران به شهرها فرستاد تا نیرو جمع کند. (53)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (54)

(و گفت) اینها گروهی اندکند. (54)

وَأَنَّهُمْ لَنَا لَنَائِظُونَ (55)

و اینها ما را به خشم آورده‌اند. (55)

وَأَنَا لَجَمِيعٍ حَازِرُونَ (56)

و ما همگی آماده پیکاریم. (56)

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (57)

ولی ما آنها (فرعونیان) را از باغها و چشمه‌ها بیرون کردیم. (57)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (58)

از گنجها و قصرهای مجلل! (58)

كَذَلِكَ وَأَوْزَيْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (59)

آری، این چنین کردیم و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم. (59)

فَاتَّبَعُوهُمْ مَشْرِقِينَ (60)

آنها (فرعونیان) به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (60)

فَلَمَّا تَرَأَىٰ الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (61)

هنگامی که هر دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم. (61)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (62)

(موسی) گفت: چنین نیست، پروردگار من با من است، به زودی مرا هدایت خواهد کرد. (62)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ

و به دنبال آن به موسی وحی کردیم عصایت را به دریا زن، دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! (63)

كَالطُّودِ الْعَظِيمِ (63)

هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! (63)

وَأَرْزَلْنَا تَمَّ الْأَخْرِينَ (64)

و در آنجا دیگران را نیز به دریا نزدیک ساختیم. (64)

وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ (65)

موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم. (65)

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ (66)

سپس دیگران را غرق کردیم. (66)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (67)

در این جریان نشانه روشنی است (برای آنها که حق طلبند) ولی اکثر آنها ایمان نیاوردند. (67)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (68)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (68)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ (69)

و بر آنها خبر ابراهیم را بخوان. (69)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (70)

هنگامی که به پدرش و قومش گفت: چه چیز را پرستش می‌کنید؟ (70)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَّلُ لَهَا غَاكِفِينَ (71)

گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم و همه روز ملازم عبادت آنانیم. (71)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ (72)

گفت: آیا هنگامی که آنانرا می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟ (72)

أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ (73)

یا سودی به شما می‌رسانند، یا زیانی؟! (73)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ (74)

گفتند: فقط ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند. (74)

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (75)

گفت: آیا دیدید چیزی را که شما عبادت می‌کردید؟ (75)

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ (76)

شما و پدران پیشین شما. (76)

فَإِنَّهُمْ غَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (77)

همه آنها دشمن منند مگر پروردگار عالمیان! (77)

آن کسی که مرا آفرید و هدایت می‌کند. (78)
و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید. (79)
و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد. (80)
و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند. (81)
و کسی که امید دارم گناهانم را در روز جزا به بخشد. (82)
پروردگارا! به من علم و دانش مرحمت فرما، و مرا به صالحان ملحق کن. (83)

و برای من در میان امتهای آینده زبان صدق (و ذکر خیر) قرار ده. (84)

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان. (85)
و پدرم (عمویم) را بیمارز که او از گمراهان بود. (86)
و مرا در روزی که مردم مبعوث می‌شوند، شرمنده و رسوا مکن. (87)

در آن روزیکه مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد. (88)
مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید. (89)
(در آنروز) بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌شود. (90)
و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌گردد. (91)
و به آنها گفته می‌شود کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می‌کردید؟ (92)

معبودهایی غیر از خدا، آیا آنها شما را یاری می‌کنند؟ یا کسی بیاری آنها می‌آید؟ (93)
در این هنگام همه آن معبودان با عابدان (گمراه) به دوزخ افکنده می‌شوند. (94)

و همچنین لشکریان ابلیس عموما. (95)
آنها در آنجا به مخاصمه بر می‌خیزند و می‌گویند: (96)
به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکار بودیم. (97)
چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می‌شمردیم. (98)
اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد. (99)
(افسوس که امروز) شفاعت کننده گانی برای ما وجود ندارد. (100)
و نه دوست گرم و پر محبتی. (101)
اگر بار دیگر (به دنیا) بازگردیم از مؤمنان خواهیم بود. (102)
در این ماجرا آیت (و عبرتی) است ولی اکثر آنها مؤمن نبودند. (103)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (104)
قوم نوح رسولان را تکذیب کردند. (105)
هنگامی که برادرشان نوح به آنها گفت، آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟ (106)

من برای شما رسول امینی هستم. (107)
تقوای الهی پیشه کنید، و مرا اطاعت نمائید. (108)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (78)
وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (79)
وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (80)
وَالَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (81)
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (82)
رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْجَفِيئِ بِالصَّالِحِينَ (83)

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (84)

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (85)
وَأَغْفِرْ لِيَابِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِينَ (86)
وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (87)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (88)
إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (89)
وَأَرْزَلْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ (90)
وَبَرَزْتَ الْجَحِيمَ لِلْغَاوِينَ (91)
وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُعْبُدُونَ (92)

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ (93)

فَكَبِّجُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (94)

وَجُنُودٌ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (95)
قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (96)
تَاللَّهِ إِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (97)
إِذْ نُسَوِّبُكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (98)
وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (99)
فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (100)
وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (101)
قُلُوا أَنْ لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (102)
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (103)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (104)
كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (105)
إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (106)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (107)
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (108)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (109)

من هیچ مزدی در برابر این دعوت از شما نمی‌خواهم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است. (109)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (110)

بنابراین تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید. (110)

قَالُوا أَنْوَمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ (111)

گفتند آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بیارزش از تو پیروی کرده‌اند؟! (111)

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (112)

(نوح) گفت، من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند. (112)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (113)

حساب آنها تنها بر پروردگار من است، اگر شما می‌فهمیدید؟ (113)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (114)

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (114)

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (115)

من تنها انذار کننده آشکاری هستم. (115)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (116)

گفتند: ای نوح اگر خودداری نکنی، سنگباران خواهی شد. (116)

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمٌ كَذَّبُونَ (117)

گفت: پروردگارا: قوم من، مرا تکذیب کردند. (117)

فَأَفْتَحْ بَيْتِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (118)

اکنون میان من و اینها جدائی بیفکن (و داوری کن). (118)

فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (119)

ما، او و کسانی را که با او بودند در کشتی که مملو (از انسان و انواع حیوانات) بود رهائی بخشیدیم. (119)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ (120)

سپس بقیه را غرق کردیم. (120)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (121)

در این ماجرا نشانه روشنی است، اما اکثر آنها ایمان نیاوردند. (121)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (122)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (122)

كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ (123)

قوم عاد رسولان (خدا) را تکذیب کردند. (123)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودُ أَلَا تَتَّقُونَ (124)

هنگامی که برادرشان هود گفت: آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟ (124)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (125)

من برای شما فرستاده امینی هستم. (125)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (126)

تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید. (126)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (127)

من هیچ اجر و پاداشی در برابر این دعوت از شما نمی‌طلبم، اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. (127)

أَتَنْبُونَ كُلَّ رِيعٍ أَيُّهَ تَعْبَثُونَ (128)

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوی و هوس می‌سازید. (128)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (129)

و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید، آنچنانکه گوئی در دنیا جاودانه خواهید ماند. (129)

وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ (130)

و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید. (130)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (131)

تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید. (131)

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ (132)

از خدائی به پرهیزید که شما را به نعمتهائی که می‌دانید امداد کرده. (132)

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ (133)

شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده. (133)

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (134)

همچنین به باغها و چشمه‌ها (134)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (135)

(اگر کفران کنید) من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (135)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعظمت أم لم تكن من الواعظين (136)

انها (قوم عاد) گفتند: برای ما تفاوت نمی‌کند چه ما را اندرز بدهی

- یا ندهی (بیهوده خود را خسته مکن!) (136)
- این همان روش و اخلاق پیشینیان است. (137)
- و ما هرگز مجازات نخواهیم شد. (138)
- آنها هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم و در این آیت و نشانه‌ای است (برای آگاهان) ولی اکثر آنها مؤمن نبودند. (139)
- و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (140)
- قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند. (141)
- هنگامی که صالح به آنها گفت: آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟ (142)
- من برای شما فرستاده امینی هستم. (143)
- تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید. (144)
- من اجر و پاداشی در برابر این دعوت از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است. (145)
- آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیت، در نعمتهایی که اینجاست می‌مانید؟ (146)
- در این باغها و چشمه‌ها! (147)
- در این زراعتها و نخلهائی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است. (148)
- شما از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید. (149)
- از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید. (150)
- و اطاعت فرمان مسرفان نکنید. (151)
- همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. (152)
- گفتند (ای صالح) تو عقل خود را از دست داده‌ای. (153)
- تو فقط بشری همچون ما هستی اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور. (154)
- گفت این ناقه‌ای است که برای او سهمی (از آب قریه) است و برای شما سهم روز معینی. (155)
- کمترین آزاری به آن نرسانید که عذاب روز عظیم شما را فرو خواهد گرفت. (156)
- سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده او را از پای درآوردند، سپس از کرده خود پشیمان شدند. (157)
- عذاب الهی آنها را فرو گرفت، در این آیت و نشانه‌ای است ولی اکثر آنها مؤمن نبودند. (158)
- پروردگار تو عزیز و رحیم است. (159)
- قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند. (160)
- هنگامی که برادرشان لوط به آنها گفت آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟ (161)
- من برای شما رسول امینی هستم. (162)
- تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید. (163)
- إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوْلِينَ (137)
- وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (138)
- فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (139)
- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (140)
- كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (141)
- إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (142)
- إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (143)
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (144)
- وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (145)
- أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (146)
- فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (147)
- وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (148)
- وَتَنْجِيثُونَ مِنَ الْجِبَالِ يُّبُوتًا فَارِهِينَ (149)
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (150)
- وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (151)
- الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (152)
- قَالُوا إِنَّمَا آتَتْ مِنَ الْمُسْحَرِينَ (153)
- مَا آتَتْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (154)
- قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (155)
- وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (156)
- فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (157)
- فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (158)
- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (159)
- كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ (160)
- إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (161)
- إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (162)
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (163)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (164)

من از شما اجری نمی‌خواهم اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است. (164)

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (165)

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید؟ (این زشت و ننگین نیست؟). (165)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (166)

و همسرانی را که خدا برای شما آفریده است رها می‌کنید؟ شما قوم تجاوزگری هستید. (166)

قَالُوا لَعْنُ لِمَ تَنْتَه يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (167)

گفتند: ای لوط اگر از این سخنان خودداری نکنی از اخراج شوندگان خواهی بود. (167)

قَالَ إِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (168)

گفت: من (به هر حال) دشمن اعمال شما هستم. (168)

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (169)

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می‌دهند رهائی بخش. (169)

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (170)

ما او و خاندانش را همگی نجات دادیم. (170)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (171)

جز پیر زنی که در میان آن گروه باقی ماند. (171)

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ (172)

سپس دیگران را هلاک کردیم. (172)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (173)

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرو فرستادیم، چه باران بدی بود این باران انذار شدگان. (173)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (174)

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است، اما اکثر آنها ایمان نیاوردند. (174)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (175)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (175)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (176)

اصحاب ایکه (شهری نزدیک مدین) رسولان (خدا) را تکذیب کردند. (176)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (177)

هنگامی که شعیب به آنها گفت، آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟ (177)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (178)

من برای شما رسول امینی هستم. (178)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (179)

تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید. (179)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (180)

من در برابر این دعوت پاداشی از شما نمی‌طلبم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است. (180)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (181)

حق پیمان را ادا کنید (و کم فروشی نکنید) و مردم را به خسارت نیفکنید. (181)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (182)

با ترازوی صحیح وزن کنید. (182)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (183)

و حق مردم را کم نگذارید و در زمین فساد نمائید. (183)

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ (184)

از کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید. (184)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَخَّرِينَ (185)

گفتند تو فقط دیوانه‌ای! (185)

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَطَّلُكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (186)

(بعلاوه) تو تنها بشری مثل ما هستی، تنها گمانی که درباره تو داریم اینست که دروغگو می‌باشی! (186)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (187)

اگر راست می‌گویی، سنگهائی از آسمان بر سر ما فرو ریز! (187)

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا نَعْمَلُونَ (188)

(شعیب) گفت: پروردگار من به اعمالی که شما انجام می‌دهید آگاه تر است. (188)

فَكَذَّبُوهُ فَأَحْذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (189)

سرانجام او را تکذیب کردند و عذاب روز ابر سایه افکن آنها را فرو گرفت، که این عذاب روز بزرگی بود. (189)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (190)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (191)

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (192)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (193)

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (194)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (195)

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (196)

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يُعَلِّمَهُمُ الْعِلْمَ بِنِي إِسْرَائِيلَ (197)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (198)

فَفَرَّاهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (199)

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (200)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (201)

فَيَأْتِيَهُمْ بَعْتُهُمْ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (202)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (203)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (204)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (205)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ (206)

مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (207)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبِهِ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (208)

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (209)

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (210)

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (211)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (212)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (213)

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (214)

وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (215)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ (216)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (217)

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ (218)

وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (219)

در این ماجرا آیت و نشانه‌ای است ولی اکثر آنها ایمان نیاوردند.

(190)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (191)

و این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. (192)

روح الامین آنرا نازل کرده است ... (193)

بر قلب (پاک) تو، تا (مردم را) انذار کنی. (194)

آنرا به زبان عربی آشکار نازل کرد (195)

و توصیف آن در کتب پیشینیان نیز آمده است. (196)

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست، که علمای بنی اسرائیل به

خوبی از آن آگاهند. (197)

هر گاه ما آن را بر بعضی از عجم (غیر عرب) نازل می‌کردیم. (198)

و او آنرا برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند. (199)

(آری) این گونه قرآن را در دل‌های مجرمان وارد می‌کنیم. (200)

آنها به آن ایمان نمی‌آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود به

بینند. (201)

ناگهان (عذاب الهی) به سراغ آنها می‌آید، در حالی که توجه ندارند.

(202)

و در این هنگام می‌گویند: آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟ (203)

آیا برای عذاب ما عجله می‌کنند؟ (204)

اگر ما سالیان دیگری آنها را از این زندگی بهره مند سازیم ...

(205)

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید. (206)

این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت.

(207)

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذار کنندگانی

برای آنها بود. (208)

تا متذکر شوند، و ما هرگز ستمگر نبودیم. (209)

شیاطین و جنیان این آیات را نازل نکردند. (210)

و برای آنها سزاوار نیست، و قدرت ندارند. (211)

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند. (212)

هیچ معبودی را با خداوند مخوان که از معذبین خواهی بود. (213)

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن. (214)

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.

(215)

اگر آنان نافرمانی تو کنند، بگو: من از کار شما بیزارم. (216)

و بر خداوند عزیز و رحیم توکل نما. (217)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) بر می‌خیزی

می‌بیند. (218)

و حرکت تو را در میان سجده کنندگان مشاهده می‌کند. (219)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (220)
هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينَ (221)
تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (222)
يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ (223)

او است خدای شنوا و دانا (220)
آیا به شما خبر بدهم، شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟ (221)
بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند. (222)
آنها آنچه را می‌شنوند (به دیگران) القا می‌کنند و اکثرشان دروغگو هستند. (223)

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (224)

(پیامبر شاعر نیست) شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند! (224)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (225)
وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (226)

آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سر گردانند. (225)
و سخنانی می‌گویند که عمل نمی‌کنند! (226)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ
مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (227)

مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و یاد خدا بسیار می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) بر می‌خیزند (و از ذوق شعری خود کمک می‌گیرند) و بزودی آنها که ستم کردند می‌دانند که بازگشتشان به کجاست. (227)

سوره 27: النمل

به نام خداوند رحمتگر مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طس، این آیات قرآن، و کتاب مبین است. (1)

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ (1)

وسيله هدايت و بشارت برای مؤمنان است. (2)

هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (2)

همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و به آخرت یقین دارند. (3)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (3)

کسانی که ایمان به آخرت ندارند اعمال (سوء) آنها را برای آنان زینت می‌دهیم به طوری که آنها سرگردان می‌شوند. (4)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (4)

آنها کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنها است و آنها در آخرت زیانکارترین مردمند. (5)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (5)

و بطور مسلم این قرآن از سوی حکیم و دانائی بر تو القا می‌شود. (6)

وَإِنَّكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (6)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی از دور دیدم؛ (همین جا توقف کنید؛ بزودی خبری از آن برای شما می‌آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید. (7)

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بَخْرٌ أَوْ آتِيكُمْ
بَشِيرًا قَبْسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (7)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است (= فرشتگان و موسی)؛ و منزله است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (8)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ (8)

ای موسی! من خداوند عزیز و حکیم! (9)

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (9)

و عصایت را بیفکن! - هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می‌دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد - ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند! (10)

وَأَلْقَىٰ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ
لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ (10)

مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (11)

مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که

وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (12)

(توبه او را می پذیرم، و) من غفور و رحیمم! (11)
و دستت را در گریبانست داخل کن؛ هنگامی که خارج می شود، سفید و درخشانده است بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه گانه‌ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند! (12)
و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: این سحری است آشکار! (13)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (13)

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود! (14)

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (14)

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید. (15)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (15)

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است. (16)

وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (16)

لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندگان نزد او جمع شدند آنقدر زیاد بودند که باید توقف کنند تا به هم ملحق شوند. (17)
تا به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند! (18)

وَخَشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (17)
حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (18)

(سلیمان) از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: پروردگارا! شکر نعمتهائی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام فرما و توفیق مرحمت کن تا عمل صالحی که موجب رضای تو گردد انجام دهم و مرا در زمره بندگان صالحت داخل نما. (19)
(سلیمان) در جستجوی پرنده (هدهد) برآمد و گفت چرا هدهد را نمی‌بینم یا اینکه او از غایبان است. (20)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (19)

من او را قطعاً کیفر شدیدی خواهم داد و یا او را ذبح می‌کنم و یا دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد. (21)
چندان طول نکشید (که هدهد آمد و) گفت من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی من از سرزمین سبا یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام. (22)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (20)

لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (21)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحْطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ (22)

من زنی را دیدم که بر آنها حکومت می‌کند و همه چیز در اختیار داشت (مخصوصاً) تخت عظیمی دارد. (23)
(اما) من او و قومش را دیدم که برای غیر خدا - خورشید - سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان زینت داده آنها را از راه بازداشته و آنها هدایت نخواهند شد. (24)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (23)

وَجَدْنَاهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (24)

چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه در آسمانها و زمین پنهان است خارج می‌کند؟ و آنچه را مخفی می‌کنید و آشکار

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (25)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (26)

نمی‌سازید، می‌داند؟ (25)
خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار و صاحب عرش
عظیم است. (26)

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (27)

(سلیمان) گفت: ما تحقیق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از
دروغگویان هستی؟! (27)

أَذْهَبُ بِكِتَابِي هَذَا فَالْقَبْهَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (28)

این نامه مرا ببر و بر آنها بیفکن سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف
کن) بین آنها چه عکسالعملی نشان می‌دهند. (28)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَإِنَّيَ أَلْفَىٰ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (29)

(ملکه سبا) گفت: ای اشراف! نامه پر ارزشی به سوی من افکنده
شده! (29)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (30)

این نامه از سلیمان است و چنین می‌باشد: به نام خداوند بخشنده
مهربان ... (30)

أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ (31)

توصیه من این است برتری جوئی نسبت به من نکنید و به سوی
من آئید در حالی که تسلیم حق هستید. (31)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أفتُونی فی امری ما کنت قاطعاً امرأ حتی
تشهدون (32)

(سپس) گفت: ای اشراف (و ای بزرگان) نظر خود را در این امر مهم
بازگو کنید که من هیچ کار مهمی را بدون حضور شما انجام
نداده‌ام. (32)

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (33)

گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی
تصمیم نهائی با تو است ببین چه دستور می‌دهی؟ (33)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أُذَلَّةً
وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (34)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد
و تباهی می‌کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند، (آری) کار آنها
همین گونه است. (34)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (35)

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم) هدیه گرانبهائی برای آنها
می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند. (35)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ
بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (36)

هنگامی که (فرستادگان ملکه سبا) نزد سلیمان آمدند گفت:
می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید!) آنچه خدا به من
داده از آنچه به شما داده بهتر است بلکه شما هستید که به
هدایایتان خوشحال می‌شوید. (36)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِخُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أُذِلَّةً
وَهُمْ صَاغِرُونَ (37)

به سوی آنها بازگرد (و اعلام کن) با لشکرهائی به سراغ آنها می‌آئیم
که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند، و آنها را از آن (سرزمین
آباد) به صورت ذلیلان و در عین حقارت بیرون می‌رانیم. (37)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (38)

(سلیمان) گفت، ای بزرگان! کدامیک از شما توانائی دارید تخت او
را پیش از آنکه خودشان نزد من آیند برای من بیاورید؟! (38)

قَالَ عَفَرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي
عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (39)

عفریتی از جن گفت: من آنرا نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از
مجلسست برخیزی و من نسبت به آن توانا و امینم! (39)

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ
طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ
أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (40)

(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت، من آنرا پیش
از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که
(سلیمان) آنرا نزد خود مستقر دید گفت این از فضل پروردگار من
است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران
می‌کنم؟ (40)

قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَنْتَهَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (41)

(سلیمان) گفت تخت او را برایش ناشناس سازید به بینم آیا متوجه می‌شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد. (41)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشِكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (42)

هنگامی که او آمد گفته شد آیا تخت تو اینگونه است؟ (در پاسخ) گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!! (42)

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (43)

و او را از آنچه غیر از خدا می‌پرستید بازداشت که او از قوم کافران بود. (43)

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (44)

به او گفته شد داخل حیاط قصر شو، اما هنگامی که نظر به آن افکند پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد اما سلیمان) گفت (این آب نیست) بلکه قصری است از بلور صاف، (ملکه سبا) گفت پروردگارا! من به خود ستم کردم، و با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم. (44)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فِإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (45)

ما به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدای یگانه را بپرستید، اما آنها به دو گروه تقسیم شدند و به خصامه پرداختند. (45)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (46)

(صالح) گفت: ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید؟ (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را) چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید شاید مشمول رحمت شوید؟ (46)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (47)

آنها گفتند: ما تو و کسانی را که با تو هستند به فال بد گرفتیم (صالح) گفت: فال بد (و نیک) نزد خداست (و همه مقدراتان به قدرت او تعیین می‌گردد) شما گروهی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید. (47)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (48)

در آن شهر نه گروهک بودند که فساد در زمین می‌کردند و مصلح نبودند. (48)

قَالُوا نَقَاسُمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (49)

آنها گفتند: بیائید قسم یاد کنید به خدا که بر او (صالح) و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم و آنها را به قتل می‌رسانیم سپس به ولی دم او می‌گوئیم ما هرگز از هلاکت خانواده او خیر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم! (49)

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (50)

آنها نقشه مهمی کشیدند و ما هم نقشه مهمی در حالی که آنها خیر نداشتند. (50)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (51)

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد؟ که ما آنها و قومشان را همگی نابود کردیم! (51)

فَتِلْكَ بَيُوتُهُمْ خَاوِبَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (52)

این خانه‌های آنهاست که به خاطر ظلم و ستمشان خالی مانده، و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند. (52)

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (53)

ما کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم. (53)

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (54)

و لوط را به یاد آور هنگامی که به قومش گفت آیا شما به سراغ کار بسیار قبیح می‌روید در حالی که (زشتی و نتایج شوم آنرا)

می‌بینید؟ (54)

آیا شما بجای زنان به سراغ مردان از روی شهوت می‌روید؟ شما قومی جاهل هستید. (55)

أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ
(55)